دیگرسو

دیانا مهرنیا

بمبئی شهر عجایب

آخر پاییز هم که باشد هوا غبارآلود است و گلدسته مساجد و گنبدها و منارهای معابد در مه گم. بمبئی، شهر آرزوها، وسیع، پرجنب و جوش و بی‌تفاوت است. گویی از آغازین روز خلق شـبه‌جزیره همین‌طور بوده. روزی که سیذارتا (بودا) ترک جان و مال گفت هم همین‌گونه بود. وسیع، آرام و پرجنب و جوش. صادق هدایت بوف کور را در این شهر نوشت. لابه‌لای پیرمردهای چروکیده بازارهای محلی هزاران خنزرپنزری به آفتاب تن داده‌اند. می‌گویند میرزا اسماعیل شیرازی وزیر مهاراجه میسور از جمالزاده دعوت به میهمانی می‌کند اما او صادق هدایت را به عنوان نویسـنده‌ای جوان و آگاه بـه عنـوان جایگزین معرفی می‌کند. هدایت پس از ورود به بمبئی و آشـنایی با قوم پارسـیان بمبئی، به یادگیری زبان پهلوی می‌پردازد و متونی را از پهلوی به پارسـی امروز ترجمه می‌کند. می‌گویند او تحت تاثیر زندگی سنتی هندی قرار گرفته و در جایی می‌نویسـد: «تنها جای دنیا که قابل دیدن اسـت قسمت هند و چین است که هنوز داخل بازی‌های بین‌المللی نشده، هر کسی برای خودش دنیای جداگانه‌ای است. آدم‌ها و حیوانات با هم مخلوط می‌شوند. مثلاً مردی که جلوی دریا چهارزانو نشسته، خمیـر نان را گوله‌گوله می‌کند، جلوی ماهی‌ها می‌ریزد، گاوی که آزادانه در دکان‌ها گدایی می‌کند. لباس‌های عجیب و غریب؛ گاهی به نظرم می‌آید که در الف لیله (هزار و یک شب) زندگی می‌کنم.»

گذشـته‌های دور و نزدیک ایران و هند به هم تنیده اسـت و همین شـاید لذت گشت و گذار ایرانیان را در هند و در شهری چون بمبئی دوچندان می‌کند.

سنگ‌نبشـته‌ها و کتیبه‌هایی که به فرمان اشوکا پادشاه موریایی هند کنده شده شـباهت زیادی به کتیبه‌های هخامنشـی دارد. بازی طبیعت و انسان را می‌توان در پارک گاندی دید؛ جنگلی به وسـعت ۱۰۴ هکتار که از پربازدیدکننده‌ترین مناطق بمبئی است و سالانه بیش از دو میلیون گردشگر ساعتی را در آن می‌گذرانند. غارهای کان هری در این جنگل قرار دارند. روی صخره‌ها سنگ‌نوشته‌هایی به قدمت ۲۴۰۰ سال در سبزی جنگل دست‌نخورده چشم را به خود خیره می‌کند. ساکنان بودایی روی سنگ‌های غار می‌نوشتند. انواع جانوران وحشی چون پلنگ، ببر، میمون، آهو و انبوه پرندگان رنگ به رنگ در این منطقه می‌زیند. این لکه بزرگ سبزرنگ را ریه بمبئی می‌دانند که تنفس را برای پایتخت ایالت ماهاراشترا آسان می‌کند.

کلمه بمبئی در زبان هندی به معنای ساحل خوب است. استعمارگران پرتغالی این نام را به این شهر دادند. اما در سال ۱۹۹۶ نام این شهر به «مومبای» تغییر یافت که نام یکی از خدایان زن هندی است. در وسعت ۶۰۳ کیلومتر مربعی مومبای جمعیتی بالغ بر ۱۳/۳ میلیون نفر زندگی می‌کنند با انواع دین و زبان و مذهب. با شـیوه‌های متنوع زیست، پوشاک، خوراک و... و شاید همین‌ها بوده و هست که هدایت با دیدن این شهر هند را تنها جای قابل دیدن جهان توصیف کرده است. شهر شرکت‌های بزرگ اقتصادی، شهر سینما و شهر پارچه‌های رنگی، شهر آرزوها. هزاران هزار نفر سالانه به امید یافتن کار و درآمد راهی مومبای می‌شـوند. هزاران هزار آدمی که در خیابان‌ها به زندگی ادامه می‌دهند، در زاغه‌نشینی‌ها غرق می‌شوند، در ایستگاه‌های قطار دیده

می‌شوند و در بازارهای پرجنب و جوش. بافت شهر دو بخش هندی و انگلیسی دارد. ایستگاه مرکزی قطار ویکتوریا که توسط معماری انگلیسی به نام فردریک ویلیام استیونز و به سـبک گوتیک طراحی شـده یکی از سازه‌های مهم و دیدنی شهر است و یادگار بنای دوران استعمار بریتانیا. دولت هند پس از استقلال هند از امپراتوری بریتانیا و در سال ۱۹۹۶ میلادی، بر اساس سیاست نامگذاری معابر و اماکن به نام اهالی هند، نام «پایانه ویکتوریا» را به افتخار چاتراپاتی شیواجی بنیانگذار امپراتوری مراتا، در سده ۱۷ (میلادی)، به «پایانه چاتراپاتی شیواجی» تغییر داد. در تاریخ ۲ ژوئیه ۲۰۰۴ میلادی، پایانه چاتراپاتی شـیواجی در فهرسـت میراث جهانی یونسکو به ثبت جهانی رسید. ثبت این مکان در فهرست یونسکو به دلیل تلفیق دو فرهنگ در زیر یک سقف بود؛ طراحی احیا شده از سبک ویکتوریایی انگلستان و هنر سنتی معماری هند که نمونه‌ای بی‌نظیر را در سراسـر جهان خلق کرد. موزه پرنس ولز هم از آن مکان‌هایی است که در بازدید از بمبئی نمی‌توان بی‌خیال از کنار آن گذشت. موزه‌ای بزرگ با آثاری قابل توجـه از دوران‌های مختلـف تاریخ و هنر هند همراه با نمونه‌هایی از حیات وحش و آبزیان هندوستان. این موزه بین سال‌های ۱۹۰۴ و ۱۹۱۴ بنا شد که در اثنای جنگ جهانی اول به‌عنوان بیمارستان مورد استفاده قرار گرفت. معماری بنا به سبک گوتیک اسـت و از سـنگ بازالت ساخته شده است. این بنا در میان باغ زیبایی تاسیس شده است که پس از مسافرت پرنس ولز در ۱۹۰۵ به هند به این نام خوانده شده است. در سال ۱۸۶۲ قطعه زمینی به مساحت ۱۵ هکتار در کولابا جهت احداث باغ ویکتوریا اختصاص داده شـد و در نوامبر ۱۸۷۲ به روی عموم مردم گشـوده شـد. از آن زمان تاکنون هفت هکتار دیگر نیز به این باغ‌ها اضافه شده است. باغ دارای معماری منحصر به‌فرد و زیبایی است که موزه ویکتوریا نیز در آن واقع شده است.

دروازه هند دیگر بنای بازمانده دوران استعمار انگلیس است که در سال ۱۹۲۴ به عنوان یادبود سفر جرج چهارم پادشاه انگلستان و همسرش ملکه ماری ایجاد شد. شاه و ملکه در سال ۱۹۱۱ به بمبئی سفر کرده بودند. در سال ۱۹۴۸ استعمارگران انگلیسی خاک هند را از همین دروازه ترک کردند. با توجه به این سابقه تاریخی، دروازه هند یکی از محبوب‌ترین محل‌ها برای گردهمایی گردشگران خارجی است. دروازه هند، در عین حال در کنار هتل تاج محل واقع شده که محل اقامت خارجی‌های ثروتمندتر است.

اگر قرار اسـت در یک زمان فشـرده از چند منطقه دیدنی بمبئی بازدید کنید، جنوب شهر جای مناسبی است. پس از دروازه هند باید راهی جزیره فیل‌ها شد؛ یکی از هیجان‌انگیزترین مکان‌های دیدنی شهر. با فاصله کمی از دروازه، لنج‌های زیادی در کناره ساحل پهلو گرفته و به انتظار گردشگرند. ۴۵ دقیقه زمان لازم است تا به جزیره برسید و آنجاست که غارهای باستانی الفانتا تحسین هر بیننده‌ای را برمی‌انگیزد. این منطقه از طرف یونسکو به‌عنوان میراث فرهنگی شناخته شده است. جزیره میمون‌ها هم شهرت دارد. بازارهای صنایع دستی هم از جمله بازارهایی است که در حاشیه غارها به راه افتاده و به این ترتیب شغلی برای حاشیه‌نشینان شهر دست و پا کرده است.

هتل تاج محل نیز درسـت روبه‌روی دروازه هند در منطقه «کلابه» قد علم کرده است. بعد از بازگشت از جزیره می‌توان ساعتی را به بازدید از محل اقامت گردشگران ثروتمندتر اختصاص داد. این بنا در حملات تروریسـتی نوامبر ۲۰۰۸ خسارات قابل توجهی دید اما به سرعت بازسازی شد.

دیدن دانشگاه بمبئی هم خالی از لطف نیست. ساختمان این دانشگاه قدیمی که در نزدیکی دادگاه عالی واقع شـده از شـاهکارهای معماری سبک گوتیک در بمبئی است. قسمت کتابخانه و برج ساعت آن نمونه کوچکی از برج بیگ بن لندن است.

در سوی دیگر شهر راه باریکه‌ای از روی دریا تو را به مسجدی بی‌نظیر می‌رساند؛ حاجی علی درگاه. زیارتگاه و مسـجدی برای مسـلمانان. این سـاختمان در سـال ۱۴۳۱میلادی بنا شده و در ساحل ورلی واقع است. به طور معمول بیش از ۴۰ هزار زائر در روزهای پنجشنبه و جمعه از این درگاه بازدید می‌کنند.

زیارتگاه بهره‌ها، مارین درایو(گذرگاه دریایی)، خسروباغ(محله ویژه پارسیان)، مغول مسجد(مسجد ایرانیان)، چپاتی(تفرجگاه ساحلی)، پارک کملا نهرو، بازار کرافت مارکت و بسیاری از معابد و عبادتگاه‌های دیگر نیز در بمبئی هستند که جذابیت‌های بسیاری برای هر گردشگری دارند به این شرط که زمان کافی برای دیدن آنها داشته باشد و مهم‌تر از همه دیدن مناسک و مراسم مختلفی که بر سر هر کوی و برزنی قابل دیدن است. آدم‌های رنگ به رنگ، غذاها و لباس‌ها و زندگی‌ها... و پیرمردهای خنزرپنزری گلدان راغه را می‌دهند و در پشت مه ناپدید می‌شوند.

سفر به زادگاه شعر نو فارسی

در خیال روزهای روشن

محمد قدمعلی

خانه‌ام ابری‌ست/ یکسره روی زمین ابری‌ست بـا آن/ از فراز گردنه خُرد و خراب و مسـت/ باد می‌پیچد/ یکسـره دنیا خراب از اوست/ و حواس مـن/ آی نی‌زن که تو را آوای نی بُرده‌سـت دور از ره/ کجایی؟/ خانه‌ام ابری‌سـت اما/ ابر بارانش گرفته‌سـت/ در خیال روزهای روشنم کز دست رفتندم...[1]

خانه‌ام ابری است؛ ابری که زمستان‌های سرد می‌بـارد و تمام دشـتی را کـه در گرگ و میش صبحگاه سیاه می‌نمود، سفیدِ سفید می‌کند. این خانه، خانه علی اسفندیاری- نیما یوشیج- است که پاییز سال ۱۲۷۴ در آن چشم گشود و اکنون در آن آرمیده است. مردمان تهران که قصد دیدار این خانه را در سـر می‌پرورانند، معمولاً صبح تا غروب یک روز تعطیل بهاری یا تابستانی را برای دیدنش صرف می‌کنند. اما زمستانِ خانه پدر شعر نو فارسـی در دل البرز مرکزی هم زیباسـت، به ویژه اگر آسـمان مثل این سال‌ها قهرش نگرفته باشـد و برف تمام دره بلده و روسـتای یوش را سفیدپوش کرده باشد.

یوش روسـتایی اسـت از توابـع بخش بلده شهرسـتان نور در استان مازندران؛ روستایی که زادگاه نیما یوشیج پدر شعر نو فارسی است و به همین علت شـهرت یافته اسـت. یوش در البرز مرکزی در میانه جاده‌ای آسفالته و شرقی- غربی واقـع اسـت که به طـول ۱۱۰ کیلومتر و از ۴۰ کیلومتـری آمل در جاده هراز تـا پل زنگوله در جاده کندوان کشـیده شده است. بنابراین از دو راه می‌توان به یوش رسـید؛ یکی از جاده هراز و دیگـری هم کندوان (جاده کرج چالوس). اگر از هراز بروی نزدیک ۴۰ کیلومتری آمل در دوراهی به نام دوآب سـمت چپ راهی منشعب می‌شود که با پلی بزرگ و فلزی آغاز شـده و اندکی بعد تابلویی که فاصله تا بلده و یوش را نشان می‌دهد. و اما از جاده انشـعابی یوش- بلده در پل زنگوله جاده کندوان تا خانه نیما ۵۴ کیلومتر راه است. خانه نیما در پیچ و خم کوچه‌ای خاکی قرار دارد. خانه را بازسازی کرده‌اند و مقبره نیما هم در وسط حیاط خانه اسـت. نیما در ۱۲سالگی یوش را به مقصـد تهـران ترک کرده، اما گاه به گاه سـری بـه خانه پدری‌اش در یوش مـی‌زده تا اینکه در زمسـتان ۱۳۳۸ وقتی به یوش آمده بود، گرفتار سـرماخوردگی سختی می‌شـود و او را به تهران می‌آورند. هوای سـرد و راه ناهمـوار و طولانی، پیرمـرد را از پـا می‌اندازد تا اینکه در سـیزدهم دی‌مـاه دیده از جهان فـرو می‌بندد. ظاهراً نیما وصیـت می‌کند هر زمان که امکانش بود او را به زادگاه کودکی‌اش آورده و به خاک بسپارند. پس او را موقـت در امامزاده عبـدالله تهران به خاک می‌سپارند. ۳۴ سـال پس از مرگ نیما در سال ۱۳۷۲ وصیـت او عملی می‌شـود و مقبره او به یوش و خانه پدری‌اش منتقل می‌شـود. در کنار او «سیروس طاهباز» کسی که سال‌ها روی اشعار و زندگی او تحقیق می‌کرد هم به خاک سـپرده شده است و همین طور خواهرش «بهجت‌الزمان».

به دیوارهای گرداگرد حیاط این خانه اعیانی قدیمی عکس‌های نیما که اغلب او را در طبیعت و در حال شـکار نشـان می‌دهد آویخته شده و آفتاب و باد و باران، رنگ بر آنها باقی نگذاشـته است. عکس‌های قدیمی نشان می‌دهد این خانه در آسـتانه تخریب کامل بوده اما برای بازسازی آن کارهایـی انجام شـده و در واقع اکنون موزه نیماست.

اما یوش یکی از روستاهای این ناحیه از البرز اسـت. در گـذر از تمام مسـیر ۱۱۰ کیلومتری سیاه‌بیشه کندوان تا سیاه‌بیشه هراز هرجا را که نگاه کنی، تپه، دره و درخت می‌بینی و روستاهایی با بام‌های شیروانی، با زمینه سبز در بهار و سفید در زمستان. اگر راهتان از میدان آزادی تهران با خودرو شخصی شروع شده باشد، پس از حدود سه ساعت به گردنه لاوش می‌رسید که باد شدیدش خـودرو را تکان می‌دهد. می‌گویند با ۳۵۰۰ متر ارتفاع، بلندترین گردنه ایران است که دسترسی جاده‌ای دارد. تا اینجای راهت کوهنوردی شگفتی است که با خودرو به انجام رسیده است. در ادامه راه به سمت یوش و بلده، جاده کوهستانی سرازیر و کم‌کم با رودخانه هم‌سطح می‌شود. از اینجا به بعـد بار دیگـر رو به ارتفاع مـی‌روی تا به یوش می‌رسـی که شهرتش را از نیما دارد. از شواهد و قرائن موجود قدمت این روستا تا دوره ساسانیان بـرآورده می‌شـود کـه آتشـکده رو بـه ویرانی «کیـا داود» منسـوب بـه آن دوران اسـت. ناصرالدین‌شـاه قاجار نیز برای تفریح و شکار در این روسـتا اقامت داشته است و از این روستا به عنوان مکانی مفرح و خرم نام برده است. اقتصاد روستا از دامداری، باغداری و پرورش زنبور عسل می‌گذرد و محصولات عمده آن شـیر، سرشـیر، پنیـر، کره، ماسـت، قره‌قوروت، گـردو، زردآلو، گیلاس، فندق، سیب، آلو، لواشک و عسل است.

۲۷ آبان سالروز تولد و ۱۵ دی سالمرگ نیما یوشیج است/ عکس: جاوید نیکپور

از همین جاده شرقی- غربی که میانه آن بلده و یوش واقع شـده است فرعی‌هایی سمت شمال منشعب می‌شود که یکی از آنها به روستای کجور و دیگری به روسـتای زیبـای کندلوس راه دارد. کجور در منطقه‌ای بسـیار پربرف واقع اسـت و اساساً رفت و آمد در این مسیرهای پرپیچ و خم فرعی کوهستانی ملزم به داشتن وسیله نقلیه‌ای مجهز و تجربه‌هایی اینچنین اسـت. در غیر این صورت اواخر بهار زمان بسـیار مناسب‌تری است برای سفر به کوهستان. دیدنی دیگر منطقه جنگل آب‌پری اسـت که بر سر راه بلده به نور قرار دارد و به شـهر پیوسته است. این بخش از جاده را به همین دلیل جاده آب‌پری هم می‌گویند و آبشاری به همین نام هم در خود دارد. هر چه به شهر نور نزدیک‌تر می‌شوی، خلوص طبیعت کمتر و تعداد ماشـین‌هایی که در جاده رفت و آمد می‌کنند و آدم‌هایی که برای گردش آمده‌اند بیشتر می‌شود، تمشک‌های کنار جاده آخرین گیاهان این جنگل هستند که در مسیر سفر می‌بینید و به زودی به شهر نور وارد می‌شود.

در جنـوب این جاده شـرقی- غربی منطقه بکرتـری هسـت بـا کوه‌هـای بلنـد و قله‌های چهار هزار متری که زیستگاه حیوانی است چون خـرس قهوه‌ای که در ایـران در دو منطقه البرز مرکزی و زاگرس دیده شده‌اند.

در برنامه‌ای یک‌روزه، آن هم نه در زمسـتان، البته تنها فرصت دیدار از یوش و بلده را خواهی داشت و نهایت خلاقیت آن است که از غرب بروی و از شرق بازگردی یا برعکس. در زمستان به دلیل کوتاه بودن روز و قابل پیش‌بینی نبودن هوا زمان بیشتری لازم اسـت برای اجرای برنامه و در هر صورت پس از دیدار یوش یکی از مسـیرهایی را که پیشنهاد شد می‌توان ادامه داد. ادامه راه یوش و بلده به سمت نور خصوصاً در فصل گرم سال به دلیل تجربه طبیعت کوهسـتان و جنگل و نهایتاً دریـا در یک برنامه معمولاً جذابیت خود را دارد. و آنچه در همه فصل سـال در این مسیر یکسان است شعر نیماست که مدام زمزمه می‌شود و برای هر کس شعری و برای من:

... به وحشـت برِ خصمِ ننهم قـدم/ نیاید مرا پشت و کوپال، خم/ مرا مادر مهربان از خرد/ چو می‌خواسـت بی‌باک بار آورد/ ز خود دور ساخت/ رها کرد تا یکه‌تازی کنم/ سـرافرازم و سرفرازی کنم/ نبوده به هنگام توفان و برف/ به سـر بر مرا بند و دیوار و سقف/ بدین گونه نیز...[2]

پی‌نوشت‌ها:

۱- بخشی از شعر «خانه‌ام ابری‌ست» سروده نیما

۲- بخشی از شعر «شیر» سروده نیما

مسیر سفر

چگونه سراغ نیما برویم

نخستین سوال برای عازم شدن به این روستا، به مسـیر سـفر برمی‌گردد. می‌توانید از دو جاده هـراز یا چالوس یکی را انتخاب کنید. هر کدام از این جاده‌ها حدود یک سـاعت و نیم تا دو ساعت بـا یوش فاصله دارد کـه از تهران تا یوش نزدیک به سـه تا چهار سـاعت را در راه خواهید بود. اگر دوست دارید زودتر به مقصد برسید، از جاده هراز بایـد بروید. اگر قصد دارید با خودرو شـخصی به یوش برسید، سه انتخاب دارید:

مسـیر اول: از جاده چالوس می‌گذرد. اگر این مسـیر را برای رفتن به یوش انتخاب کردید، بعد از تونل کندوان و سیاه‌بیشه، آبادی کوچکی به نام پل‌زنگولـه قرار دارد که از فرعـی این آبادی باید به سـمت شرق بپیچید. از اینجا بعد از پشت سر گذاشتن گردنه لاوشـم و روستاهای نسن، پیل، نیکنام و سه‌راهی اوز و تقریباً ۶۳ کیلومتر رانندگی به یوش می‌رسید.

مسـیر دوم: جاده هراز و خروج به سمت جاده یوش ـ بلده اسـت. حدود ۴۵ کیلومتر بعد از آمل تابلوی پل هـردرود را خواهید دید. از جاده هراز یعنـی خروجی پل هـردرود تا بلـده تقریباً ۵۰ کیلومتر و از بلده تا یوش حدود هشـت کیلومتر راه پیش رو دارید.

مسیر سوم: اگر از شمال ایران و از حاشیه خزر و از نور قصد رسـیدن داریـد، می‌توانید از جاده نـور - رویان به یوش برویـد. باید از نور به رویان و از آنجا بعد از آبشـار آب‌پـری و طی تقریباً ۸۴ کیلومتر به یوش برسید.

اتوبوس: اگر وسیله شخصی ندارید، می‌توانید با اتوبوس به یوش بروید. پنجشـنبه‌ها و روزهای تعطیل سـاعت پنج صبح در چهارراه سرچشمه تهران، روبه‌روی پمپ بنزین اتوبوس‌هایی به سمت یوش حرکت می‌کنند که بعد از تقریباً چهار ساعت شـما را به روستا می‌رسـانند. اگر در شرق تهران زندگی می‌کنید انتخاب دیگری هم دارید.

می‌توانید سـاعت شـش صبـح در فلکه دوم تهرانپـارس سـوار اتوبوس‌های بلده شـوید. این اتوبوس‌ها هر روز به سـمت بلده حرکت می‌کنند. البته در بلده هم با سواری یا مینی‌بوس و بعد از چند دقیقه به یوش می‌رسـید. با اینکه در تمام روستا تابلوهایی برای راهنمایی مسـافران وجود دارد، اما اگر برای پیدا کردن موزه دچار مشـکل شدید، به سمت شمال روستا حرکت کنید. حتی می‌توانید از قبل با موزه نیما تماس بگیرید و اطلاعات مورد نیاز را از آقای جمشیدی مسوول موزه دریافت کنید. (۰۱۲۲-۴۳۳۳۲۳۳) موزه نیما سه ورودی دارد، اما امروز فقط ورودی اصلی در خیابان سیروس طاهباز برای مسافران باز است. موزه نیما تعطیلی ندارد و هر روز از ساعت هشت صبح باز است. قیمت بلیت ورود برای هر نفر ۴۰۰ تومان اسـت. شـلوغ‌ترین زمان موزه تابستان‌هاست که تنها روزهای جمعه تا یک هـزار و ۳۰۰ نفر بازدیدکننده دارد. در این فصل و احتمالاً در زادروز نیما موزه پذیرای ۲۰۰ تا ۳۰۰ مهمان خواهد بود. موزه دو طبقه است و ۲۴ اتاق دورتادور حیاط دارد و سـنگ قبر سفید نیما هم وسط حیاط است. موزه دو بخش اصلی دارد؛ شاه‌نشـین بزرگ و شاه‌نشین کوچک. اگر دوست دارید دست‌نوشته‌ها و اسنادی مثل قباله ازدواج و تفنگ‌ها را ببینید باید به شاه‌نشین بزرگ بروید. شاه‌نشـین کوچک فعلاً چیزی برای بازدید ندارد. اما در اتاق‌های سـه‌دری و پنج‌دری و شـش‌دری که در مجموع ۱۵ اتاق هسـتند، بخشـی از ابزار زندگی نیما مثل کتری، جوله (شیردان)، نفتدان و وسایل آشپزخانه به نمایش درآمده‌اند. البته اگر هوا بارانی نباشـد، برخی از وسـایل و حتی کپی اسنادی از زندگی نیما دورتادور حیاط برای نمایش چیده می‌شود.

منبع: همشهری آنلاین

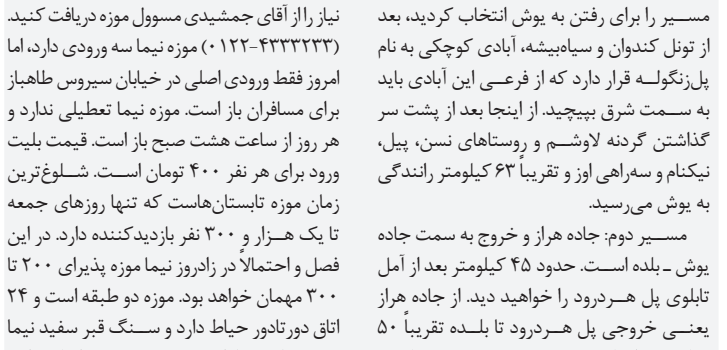

سودوکو شماره ۱۲۴

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعـداد گفته می‌شـود که به عنـوان یک سـرگرمی رایج در نشـریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سـطر و سـتون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربـع ۳×۳ اعداد یـک تا ۹ باید نوشـته شـود و در نتیجـه هیچ عـددی نباید تکرار شود.

6		5						
				3	1		2	
4							8	
3					2		9	
9	1						4	3
	4		7					1
	5							4
	7		5	4				
						6		7

حل سودوکو شماره ۱۲۳

5	9	8	3	7	1	2	4	6
7	2	1	6	5	4	8	9	3
3	6	4	8	2	9	5	7	1
1	4	7	5	9	6	3	2	8
9	8	2	7	1	3	4	6	5
6	5	3	4	8	2	9	1	7
4	3	9	1	6	8	7	5	2
8	1	5	2	4	7	6	3	9
2	7	6	9	3	5	1	8	4

جدول شماره ۱۱۱۶

افقی

۱- نـام قدیم قندهار- نیک‌نژادی ۲- ورزشـی رزمی- سـنگین یـا پرقیمت- خراسـان قدیم ۳- لبه شمشیر- وسط و بین- حرکت و جنبش ۴- قـدرت و تـوان- دارایی و ثـروت- ظرفی برای حمل میوه و اشـیا ۵- رنجـوری- برقرار کـردن ارتبـاط- پایتخـت ایرلند ۶- اسـفنج مصنوعـی- از ایلخانان مغـول- رئیس‌جمهور سـابق ۷- دوشین- گوشـه‌ای دور از مزاحمت دیگران- ضمیری عربی ۸- اصرار بر انجام کاری از طریق تکرار سخن- دگرگون ساختن چیزی و تغییر آن ۹- آگاه باش- تیر یقه‌نشین- آبی تیره ۱۰- نویسـنده اثر تاراس بولبا- استخوان‌بندی آدم و حیوانات- جوشن ۱۱- حرام، غیرقانونی- سـتاره دنباله‌دار- رود شـولوخف ۱۲- سریع و فوری- اتحادیه شرکت‌های هواپیمایی- سنبله نورسـیده گیاه ذرت ۱۳- سمت چپ- قشنگ، ظریف- نوعی درخت ۱۴- ترس، واهمه- کوره آهک‌پزی- منطقه شمالی تهران ۱۵- سرشیر- نوعی کانی سبز که در جواهرسازی کاربرد دارد.

عمودی

۱- وعده- از صنایع ادبی ۲- آغاز- رنگ استقلالی- ارفاق ۳- عدو- شهر شمالی- ندرت ۴- نقل قول کـردن- ویرا- چرک جامـه ۵- غضروف اطراف حلقـه گوش- واحـد اندازه‌گیـری گرما- ضمیر چندنفـره ۶- دفاع فوتبال- پـدر و مادر- بدهی به صورت اقسـاطی ۷- جد قوم عاد- نویسـنده فرانسـوی اثـر رزوبلانـش- ترقی و پیشـرفت ۸- همیشـگی- مـورب- پایـه- نوعـی خرمـا ۹- شـترمرغ امریکایی- خـرده ریزه‌های گلوله- جشن ۱۰- کشتی جنگی- عموی پیامبر(ص)- سـاز مولانا ۱۱- جام‌دار مشـهور- تبسم- از دانشمندان قدیمی هندسه و نجوم ۱۲- سیم ایمن‌کننده لوازم الکتریکی- زبانی از شـاخه هند و اروپایی- شخصیت افسانه‌ای در روایات هندی منسوب به شنتن ۱۳- مهم‌ترین سنگ معدنی تجـاری آلومینیوم- لغزنده- همبازی هـاردی ۱۴- حوض کم‌عمق تزیینی- عنوان اشراف بریتانیا- رایحه ۱۵- حیات- جانش را برای وطنش می‌دهد.

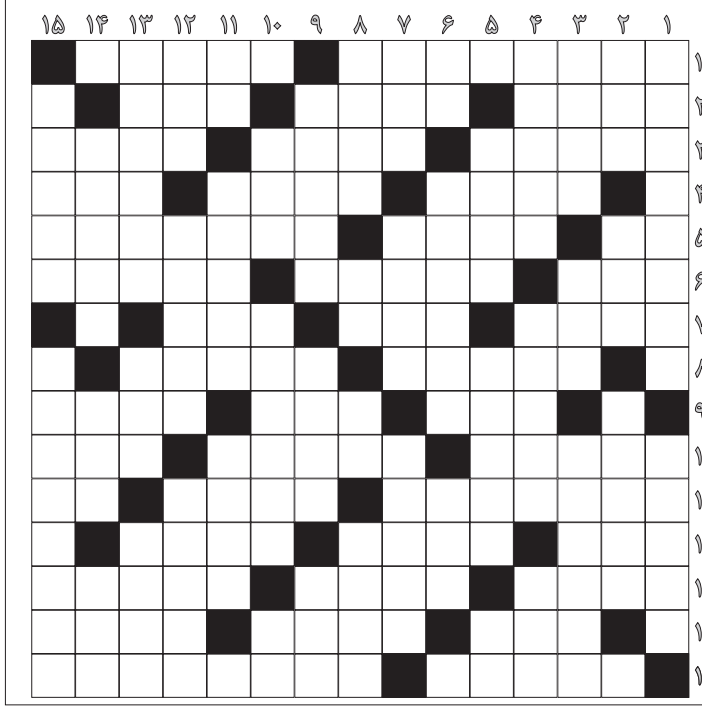
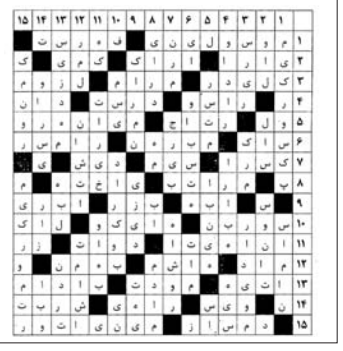
حل جدول شماره ۱۱۱۵